

خشونت و شهروندی

خشونت نشانگر رفتار برون از ضوابط رسمی و پذیرفته شده جامعه است. فردی که دست به خشونت می‌زند، با زیر پا نهادن مسیرهای پذیرفته شده برای رسیدن به هدف خویش، گذرگاه دیگری را برای رسیدن به هدفی یا رویارویی با وضعیتی برمی‌گزیند که البته پیامد چنین گزینشی برای خود فرد و قربانی خشونت و همچنین کل جامعه زیانبار است.

انتشار خبری از خشونت بیرحمانه فردی علیه یکی از کارکنان زن در درمانگاهی در بهبهان، بسیار تاسف‌بار و نگران‌کننده بود. در گوشه و کنار کشور گهگاهی چنین خشونت‌هایی به‌ویژه علیه کادر درمان به‌کار گرفته می‌شود. نگرانی درباره چنین خشونت‌هایی از آن رو است که هنوز افرادی تنها با ابزار زور و برتری جسمانی در پی آنند که کارهای خود را به پیش ببرند. در این زمینه چند نکته وجود دارد که باید بدان توجه داشت:

در جامعه‌ای که **فرهنگ شهروندی** نهادینه شده باشد، افراد رفتارشان را بر مبنای میثاق جمعی مشترک یا همان قانون پیش می‌برند. جایگاه، مرتبه و قدرت در گونه‌های سیاسی، اقتصادی و... آن، امتیازی را برای کسی پدیدار نمی‌سازد. یک فرد با ویژگی‌هایی چون ناتوانی جسمی، فقر اقتصادی و نداشتن موقعیت سیاسی و... به اندازه فردی که قوی، دارا و قدرقدرت باشد، از حقوق شهروندی برخوردار است و برتری‌های خارج از ضوابط قانونی برای کسی زمینه‌ساز رفتارهای غیرضابطه‌مند نمی‌شود.

بروز چنین رفتارهایی نشان می‌دهد که جامعه ما هنوز با نهادینه شدن فرهنگ شهروندی فاصله دارد و افراد جایگاه و رفتارشان در جامعه را نه بر پایه حقوق و فرهنگ شهروندی، بلکه بر پایه «برخی قابلیت‌ها» و «خواسته‌های» خود تفسیر می‌کنند و بروز می‌دهند.

پر شمار شدن چنین رفتارهایی جامعه را به دوران بربریت برمیگرداند و هرج و مرجی ویرانگر را در رفتارهای اجتماعی گسترش می‌دهد. بنا به گزارش‌ها، نهاد مربوط به فرد خاطی اعلام نموده این شخص خارج از سازمان این عمل را مرتکب شده و ربطی به آن نهاد ندارد.

در اینکه در این فقره آن نهاد نمی‌تواند دخالت نماید، تردیدی نیست اما آیا فردی که چنین رفتاری در جامعه مرتکب می‌شود و خانم وظیفه‌شناسی را آماج خشونت خود قرار می‌دهد، از نظر عمومی و اخلاقی شایستگی ایفای نقش در یک سازمان به ویژه بخش حراست را دارد؟ از فردی که در چنین بخشی فعالیت دارد، انتظار می‌رود ضابطه‌مند، اخلاقمدار و حتی یاریگر شهروندان در برابر اجحاف‌ها و رفتارهای

ناروای افراد ضابطه گریز باشد نه اینکه خود، میدان‌دار چنین رفتارهایی باشد.

چنین رفتاری، شهروندان را دچار نومی‌دی و احساس ناامنی می‌سازد که ممکن است در حوزه وظایف شغلی‌شان آماج [خشونت‌گرانی](#) از این دست باشند. برخورد بجا و بهنگام و به دور از توجی‌هات مرسوم در کنار فعالیت‌های ساختاری برای ترویج و نهادینه‌سازی آموزه‌های شهروندی می‌تواند گامی برای کاستن از چنین رفتارهای خشونت‌باری باشد.

****اصغر میرفردی / اعتماد/5188**